

همکنشی بین نشاط اجتماعی و هویت، محور توسعه انسانی:

پژوهشی پیمایشی

صفر حیاتی^۱

چکیده

یکی از اهداف اساسی توسعه، دستیابی به رفاه اجتماعی همگانی بوده و نشاط اجتماعی از مولفه‌های رفاه اجتماعی و مفاهیم محوری توسعه پایدار به شمار می‌رود و تاثیر زیادی بر رضایت‌مندی و اعتماد و امید افراد جامعه دارد. تحقق توسعه نیازمند مقدمات و زمینه‌هایی مانند کیفیت زندگی، رضایت‌مندی، امنیت اجتماعی، سلامت، رفتارهای جمعی و فراغت از جمله شاخص‌های شادی و نشاط اجتماعی است. هدف کلی مطالعه حاضر رابطه بین سبک هویت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با میزان نشاط اجتماعی آنان بوده است که با روش توصیفی-همبستگی انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل ۳۳۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز بود که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۰ نفر به عنوان حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این مطالعه پرسشنامه‌های استاندارد سبک‌های هویت بروزنسکی (6G - ISI)، (۱۹۹۲) و پرسشنامه شادکامی (نشاط اجتماعی) آکسفورد (۱۹۸۹) بود. اعتبار ابزار به صورت صوری و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت. مقدار آلفای پرسشنامه نشاط اجتماعی ۰/۸۶ و سبک‌های هویت در سبک اطلاعاتی ۰/۶۸ سبک هنجاری ۰/۶۷ و سبک سردرگم-اجتنابی ۰/۷۱، به دست آمد. بر اساس نتایج پژوهش، بین متغیرهای سبک هویت و مولفه‌های آن، جنسیت، وضعیت تاهل، مقطع تحصیلی و میزان نشاط اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری به دست آمد. نشاط اجتماعی دانشجویان با متغیرهای مقطع تحصیلی و گروه سنی آنان رابطه معناداری دارد.

واژگان کلیدی: توسعه انسانی، رفاه اجتماعی، هویت، نشاط اجتماعی، سبک‌های هویت

مقدمه

نشاط اجتماعی زمینه‌ای برای توسعه و پیشرفت جامعه بوده و یکی از متغیرهایی که برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی کشورها استفاده می‌شود، میزان نشاط و رضایتمندی افراد آن جامعه است.

نشاط اجتماعی به عنوان یکی از احساسات ریشه‌ای مثبت و یکی از ضروری‌ترین نیازهای روانی انسان، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه داشته و از آنجا که شادی و نشاط همواره با خرسندی، خوش‌بینی و امید و اعتماد همراه است، می‌تواند نقش تسریع‌کننده‌ای در فرآیند توسعه جامعه داشته باشد (چلبی و موسوی ۱۳۸۷: ۳۴). بر همین مبناست که از سال ۲۰۰۰ میلادی در نگاه سازمان ملل برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی کشورها، متغیرهای نشاط یا شادکامی، امید به آینده، خشنودی و رضایتمندی افراد جامعه نیز به عنوان متغیرهای کلیدی وارد محاسبات شده‌اند. به این معنی که اگر مردم یک جامعه احساس شادکامی، خشنودی و رضایتمندی نکنند، نمی‌توان آن جامعه را توسعه یافته به ویژه در حوزه توسعه اجتماعی قلمداد کرد.

گام نهادن در مسیر توسعه یا ایجاد جامعه‌ای که در آن آرامش و سعادت محقق شود، به زمینه یا مقدماتی نیاز دارد که با اتکا به آن‌ها، تحقق می‌یابد. از جمله این مقدمات، نشاط اجتماعی است.

از طرفی هم نشاط در فرایند رابطه فرد با جامعه و گروه تحقق پیدا می‌کند. در واقع، نشاط از منظر اجتماعی، عضوی از خانواده و چهارچوب مفهومی کیفیت زندگی، رضایتمندی اجتماعی، امنیت اجتماعی، سلامت اجتماعی، رفتارهای جمعی و فراغت است. این مفاهیم به نوعی متناظر با نشاط و شادمانی‌اند. همچنین، نشاط اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین و موثرترین شاخص‌های اجتماعی در گسترش احساس رضایت عمومی از زندگی، گسترش تعاملات اجتماعی سازنده، رشد اعتماد عمومی و مشارکت همه جانبه اجتماعی به شمار می‌رود.

در هر جامعه پویاترین گروه‌های آن را قشر جوانان تشکیل می‌دهند و شادابی این قشر از جامعه تا حد زیادی لازمه سلامت و شادی بسیاری از احاد جامعه است. مشارکت اجتماعی سهم عمده‌ای در نشاط اجتماعی جوانان دارد. امروزه ضرورت و اهمیت مشارکت واقعی جوانان در تمامی سطوح و جوانب مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای دستیابی به یک توسعه پویا و فعال بر هیچ اندیشمندی پوشیده نیست؛ چرا که این مشارکت همه جانبه از

بی تفاوتی، تکروی و عدم حس تعاون و تحرک و تمایل به تامین محدود و شخصی در میان اعضای جامعه و جوانان جلوگیری می‌کند، نابرابری‌ها را کاهش می‌دهد، همبستگی و وحدت را تقویت می‌کند و در نهایت، موجب رضایت‌مندی و نشاط اجتماعی در جوانان می‌شود. مجهز بودن جوانان به نشاط اجتماعی، باعث ایمنی آن‌ها در برابر مشکلات می‌شود و آنان به راحتی می‌توانند با شرایط متغیر زندگی، منطبق شوند و نقشی مفید در جامعه داشته باشند.

نشاط به نوعی محصول رضایت ذهنی افراد از زندگی‌شان است. مشخص کردن رضایت ذهنی مستلزم مشاهده دو عامل اساسی احساس آنی رضایت یا ناخشنودی افراد و کیفیت ارزیابی کلی افراد از زندگی‌شان است.

گزارش جهانی نشاط در سال ۲۰۱۳ تلاش نموده است جایگاه کشورهای جهان را در دو مقطع زمانی ۲۰۰۷ و ۲۰۱۲ مورد بررسی قرار داده و میزان کاهش و افزایش این شاخص را برای هر کشور نشان دهد. در این گزارش ابتدا مفهوم شادی مورد بررسی قرار گرفته، سپس به اهمیت سلامت روان و عوامل مخاطره آمیز و محافظت کننده سلامت روان پرداخته شده، در ادامه جایگاه کشورها بر اساس شاخص نشاط مورد بررسی قرار گرفته و در انتها میزان اثر مثبت و منفی عوامل موثر بر نشاط نشان داده شده است. بر اساس این گزارش، در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ رتبه ایران در نشاط ۱۱۵ در میان ۱۵۶ کشور مورد بررسی بوده است (گزارش جهانی نشاط در سال ۲۰۱۳، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۴).

بر اساس نتایج گزارش «نشاط اجتماعی سازمان ملل متحد» در سال ۲۰۱۶، رتبه نشاط در جامعه ایران ۱۰۵ می‌باشد. این گزارش حاصل زمینه‌یابی وضعیت جهانی نشاط در بیش از ۱۵۰ کشور است. بر اساس نتایج این گزارش، جامعه ایران بین کشورهای با چهار رده نشاط بالا، بالاتر از میانگین، پایین‌تر از میانگین و رده پایین، در دسته کشورهای «پایین‌تر از میانگین» قرار می‌گیرد. «در بررسی روند نشاط طی دو دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ و ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵، نمره نشاط در ایران حدود ۵/۷ درصد کاهش پیدا کرده است» (ایسنا، ۱۸ مهر ۱۳۹۷).

از سوی دیگر نشاط اجتماعی با متغیرهای فردی، روانی و اجتماعی بسیاری رابطه دارد که یکی از این متغیرها که هم از جنبه روانی و هم جنبه اجتماعی برخوردار است، هویت و سبک هویت است. در تعریف فردی هویت افراد با نحوه تفکر و تصورشان از خود در مواجهه با

موقعیت‌های مختلف زندگی اجتماعی، به برداشتی از خود می‌رسند که در اثر تداوم این ایستارها در تفکرات و اندیشه‌ها و تصورات فرد، به تدریج سبکی از هویت را در آنان به وجود آورده و همین سبک هویت می‌تواند بر بسیاری از متغیرهای دیگر از جمله میزان نشاط و شادکامی افراد اثرات عمیقی داشته باشد. البته شکل‌گیری همین نگرش‌ها و ایستارها کاملاً از جنبه‌ای اجتماعی برخوردار بوده و تحت تاثیر فاعیلت خود کنشگران اجتماعی و نیز در طرفی دیگر تحت تاثیر ساختارهای اجتماعی مانند سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی نیز است. بنابراین، مطالعه رابطه بین سبک هویت افراد با میزان نشاط اجتماعی آنان از زمینه‌های جذاب برای مرتبط ساختن ویژگی‌های فردی و روانی با متغیرهای نشاط و توسعه اجتماعی است.

مبانی نظری

زیمل از اولین جامعه‌شناسانی است که به مسئله شادی توجه داشته است. از نظر زیمل، شادی یک حالت کلی ذهن است که به توصیف شخصیت عاطفی انسان می‌پردازد. زیمل شادی را انعکاس حرکت مستمر زندگی توصیف می‌کند که در ورطه زندگی می‌افتد (زینگزل، ۲۰۰۰: ۴۶۶). موضع زیمل در برابر شادی موضعی دوگانه است. از سویی نشاط را به عنوان یک هدف می‌نگرد که آدمی به دنبال آن است، از سویی دیگر شادی را کیفیت عمل و حالتی از ذهن می‌بیند که فرد در ارتباط با خودش دارد.

در اندیشه گیدنز، اعتماد همراه با احتیاط نسبت به نظام‌های انتزاعی، اعتماد و سپردن امور زندگی به دست نظام‌های تخصصی، دگردیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه ناب از جمله مهم‌ترین عوامل تأمین کننده نشاط و شادمانی هستند. اما بعد از اندیشه گیدنز که بیشتر مد نظر قرار دارد، دیدگاه‌های وی در خصوص اعتماد و امنیت هستی‌شناختی است. در توضیح این مساله می‌توان گفت که گیدنز، جامعه را به مثابه کردارهایی در نظر می‌گیرد که در طول زمان و مکان رخ می‌دهند. از دید وی بسیاری از کنش‌ها و کنش‌های متقابلی که کردارهای اجتماعی را می‌سازند، به واسطه روابط اعتماد با هم پیوند می‌خورند (کاسپرسن، ۲۰۰۰: ۹۸).

نظریه «هدفمندی» یکی دیگر از مهم‌ترین نظریه‌ها در زمینه نشاط اجتماعی است. در این نظریه، سلیگمن^۱ تلاش انسان‌ها را برای دستیابی به ارزش‌ها، زمینه‌ساز بروز نشاط اجتماعی می‌داند و ارزش‌ها را فراتر از تمایلات فردی مطرح می‌کند.

1. Sligman

نظریه دیگر «نظریه برابری» است. واضح این نظریه جی. اس. آدامز^۱ است. اساس نظریه او بر ادراک فرد از شغل خود استوار است و چگونگی رفتار او را در برابر سازمان بیان می‌کند. بنابراین نظریه، هر فرد خصوصیات و قابلیت‌هایی چون تجربه و تبحر، تحصیلات، هوش، استعداد، سن و سوابق کاری را با خود به سازمان یا محیط اجتماعی می‌آورد. در مقابل، انتظار پاداش‌ها و مزایایی دارد که متناسب با توانایی‌هایش باشد. اگر این تناسب در جامعه‌ای فراهم شود، یعنی هرکس به اندازه شایستگی‌هایش در اجتماع پاداش دریافت کند، احساس رضایت و در نهایت نشاط اجتماعی به وجود خواهد آمد.

نظریه دیگر «نظریه محرومیت نسبی» است. براساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایطی مشابه با آنها داشته باشد. اگر در نتیجه مقایسه برای فرد، چنین پنداشتی به وجود آید که براساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده است در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی می‌شود. این امر به بروز نارضایتی و احساس کسالت و عدم شادکامی در سطح فردی و اجتماعی می‌انجامد.

نظریه دیگر نظریه «همبستگی اجتماعی» است. دورکیم اعتقاد دارد که مناسک دینی همبستگی و انسجام اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کنند. از دیدگاه دورکیم این اهمیت ندارد که اعضای گروه برای چه کاری گردهم می‌آیند، مهم این است که آنها گردهم می‌آیند و کاری را به گونه دسته‌جمعی انجام می‌دهند. به عبارت بهتر، امر اساسی این است که انسان‌ها گردهم می‌آیند، احساسات مشترکی را تجربه می‌کنند و به گونه یک کنش جمعی آن را بیان می‌کنند. بنابر آنچه دورکیم می‌گوید، مهم کنش جمعی است و مهم نیست به چه منظوری. بنابراین، دورکیم کارکرد مناسک دینی را در قالب کنش جمعی و در نتیجه همبستگی و انسجام اجتماعی تبیین می‌کند.

افزون بر نظریه‌های مذکور، در ادبیات جامعه‌شناسی در مورد اهمیت نشاط و شادکامی اجتماعی، نشاط به عنوان عامل تحرک و نظم یکی از خلیقات اساسی در زندگی فردی مطرح شده که نقش مهمی در چارچوب حیات روانی و اجتماعی او بازی می‌کند. نشاط یکی از نیازهای اساسی انسان و لازمه حیات اجتماعی اوست، نشاط به قوام جامعه کمک کرده و تقویت کننده

بعضی روابط اجتماعی است (جعفرونند و فتاحی، ۱۳۹۴: ۹۲). نشاط به عنوان یکی از احساسات ریشه‌ای مثبت، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه دارد. شادمانی همواره با خرسندی، خوش‌بینی و امید و اعتماد همراه است. از نظر اینگلههارت^۱ سطح پایین رضایت از زندگی و احساس خوشبختی، به گرایش‌های منفی نسبت به کل جامعه منجر و دوره‌های طولانی برآورده نشدن آرزوها و انتظارات، موجب ظهور نگرش‌های بدبینانه‌ای می‌شود که این بدبینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (چلبی و موسوی ۱۳۸۷: ۳۴). احساس شادی و نشاط، نقطه مقابل احساس افسردگی است و پویایی و تحرک جامعه تا حد زیادی به فراوانی عناصر شادی آفرین و کاهش اضطراب، افسردگی و غم در جامعه بستگی دارد.

با توسعه تجدد و فرایند جهانی شدن، در همه جوامع تدریجاً منابع سنتی هویت‌ساز رو به اضمحلال رفته و عوامل سازنده هویت اجتماعی غیرسنتی به منصف ظهور می‌آیند. در این حالت کنشگران، به دور از تسلط نهادهای تعیین‌گر ساختاری، چون سنت‌ها، مذاهب و عرف‌های رایج در یک فضای اجتماعی تحول یافته، دست به تعریف مجدد موقعیت و هویت اجتماعی خویشان در جامعه می‌زنند. تجدد تغییرات ریشه‌ای در کیفیت زندگی روزمره پدید می‌آورد و بر خصوصی‌ترین و جوه تجربیات افراد تأثیر می‌گذارد. با این وصف تغییرات حاصل از نهادهای امروزی به طور مستقیم با زندگی فردی و با «خود» افراد در می‌آمیزند. در جامعه مدرن هویت شخصی و اجتماعی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه نتیجه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد. بنابراین، برکنده شدن ریشه‌های هویت اجتماعی از موقعیت‌های ساختاری، بخشی از دگرگونی‌های کلی‌تر فرهنگی است که به تعبیر کلی، آن را فرایند مدرنیته یا مدرن شدن نامیده‌اند (توسلی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۰: ۱۲). در ارتباط با تاثیر نشاط اجتماعی بر روابط اجتماعی افراد، پژوهش‌ها نشان داده‌اند وضعیت‌های اجتماعی نابسامان، ملال آور و پراضطراب یکی از عوامل اصلی توقف استعدادها و باروری خرد و اندیشه در یک جامعه است که می‌تواند روابط فرد با اجتماع را مختل نموده، به تدریج نیروی انسانی را ضعیف کرده، قوای فکری و جسمی را فرسوده و انسان‌ها را برای قبول ضعف و ناتوانی که مغایر با توسعه و تعالی است، آماده سازد (آرگایل، ۱۳۸۳: ۱۱).

1. Inglehart

لزوم پرداختن به مقوله احساس شادی و نشاط و عوامل اثرگذار بر آن از آنجا ناشی می‌شود که به نظر می‌رسد امروزه پیشرفت هر جامعه در گرو استفاده بهینه از نیروی انسانی فرهیخته آن جامعه است و یکی از مهم‌ترین اصول در حوزه مدیریت منابع انسانی، توجه به مقوله شادی و نشاط انسان‌هاست. زیرا انسان بانشاط، انسانی کارا، مبتکر، مولد و سازنده است و همین اعمال مثبت به سلامت فیزیکی و روانی او نیز کمک شایانی خواهد کرد.

با توجه به اینکه کیفیت روابط اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های رفاه اجتماعی نقش مهمی را بر عهده دارد، چرا که با گسترش و تفکیک نقش‌ها و تخصصی شدن امور که به گسترش جریان تمایزپذیری می‌انجامد، فرد در برابر نیروهای متناقض قرار می‌گیرد. از یک سو، این شرایط از این جهت که فرد را با تاثیرپذیری از منابع مدرن هویت یابی، در برابر انتخاب‌های متعدد قرار داده و قدرت انتخاب او را افزایش می‌دهد و افزایش قدرت انتخاب، زمینه آزادی فرد را فراهم می‌کند.

از سوی دیگر به دلیل تخصصی شدن امور، افراد در تمام ابعاد زندگی به دیگران نیازمند و وابسته می‌شود و در این اتکای بیش از حد به دیگران ناخواسته آزادی او محدود می‌شود.

این وضعیت متناقض در روابط اجتماعی بر تمام مسائل اجتماعی از جمله نشاط اجتماعی افراد تاثیر دارد. در شهرهای بزرگی مانند تبریز و برای دانشجویانی که در دانشگاه‌های آن در حال تحصیل می‌باشند، از یک سو به دلیل تفکیک بیش از پیش نقش‌ها، روابط اجتماعی گسترش می‌یابد و افراد برای بقای خود به موقعیت‌های دیگران وابسته می‌شوند و از سوی دیگر به دلیل روابط رسمی حاکم بر انسان در شهرها، روابط در سطح مانده و به روابطی غیررسمی و عمیق تبدیل نمی‌شود و افراد کمتر از گذشته کسانی را که در موقعیت‌های گوناگون قرار می‌گیرند و با آنان ارتباط برقرار می‌کنند، می‌شناسند.

علاوه بر این، این روابط اجتماعی از پایداری و تداوم گذشته برخوردار نیستند، در عین سطحی بودن، در نهایت منجر به دور نگه داشتن خود از دیگران و کاهش روابط نخستین و چهره به چهره، بی‌اعتنایی به دیگران به جهت عدم اعتماد به آن‌ها، محدود نگه داشتن رابطه اجتماعی با تعداد محدودی از افراد، تضاد نقش‌ها، انتظارات از دیگران می‌شود (آرگایل، ۱۳۸۳: ۱۱).

توجه به این مقوله در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در سطح دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، مستلزم شناخت و بررسی دقیق و علمی آن است. علمی که به گفته کنت بر اساس روش‌های اصولی و منظم نشان دهد که چگونه انسان‌ها در یک جامعه زندگی می‌کنند و چگونه باید شرایط و موقعیت‌های خود را برای ایجاد شادی و نشاط تغییر دهند.

داینر و ساه^۱ (۱۹۹۷) نشاط اجتماعی را دارای سه جزء اساسی می‌دانند که عبارتند از:

الف) بعد عاطفی یا هیجانی که در حقیقت خلق و خویهای مثبت و خوشایند را در افراد شامل می‌شود.
ب) بعد شناختی که نوعی تفکر و پردازش اطلاعات را دربر می‌گیرد و به ارزیابی مثبت افراد از زندگی منجر می‌شود.

ج) بعد اجتماعی که بیانگر گسترش روابط اجتماعی فرد با دیگران و به دنبال آن افزایش حمایت اجتماعی است. به عبارت دیگر، این جزء از نشاط اجتماعی گرایش‌ها و تمایلات فرد نسبت به اجتماع، همانند علاقه به انسان‌های دیگر، تأثیرگذاری مثبت بر آن‌ها و... را شامل می‌شود که یکی از مهم‌ترین اجزاء آن را تشکیل می‌دهد (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۸؛ افروز و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

هویت هر فرد از مهم‌ترین مؤلفه‌های شخصیتی اوست که دارای ابعاد روانشناختی، جامعه‌شناختی، سیاسی، تاریخی و... است (تنهایی و حکیمی، ۱۳۹۱: ۴۷). مسأله «کیستی انسان» همواره از قدیم‌الایام ذهن بشر را به خود مشغول داشته و وی را به تلاش برای پاسخ دادن به گزاره‌های استفهامی «من کیستم» وا داشته است (رجبلو و حسین پناهی، ۱۳۹۶: ۳۳). سرانجام نتیجه چنین تلاشی به شکل‌گیری «هویت» و «خود» منجر شده است. انسان بعنوان کنشگر سعی می‌کند از تمامی توان و سرمایه‌های خویش برای ساختن هویتی منسجم و مستحکم که بتواند برای او نقش، پایگاه و قرارگاهی امن را در دنیای پویای مدرن ایفا نماید مدد بگیرد (توسلی و اصل زعیم، ۱۳۹۰: ۷۷).

کمتر مفهومی است که به اندازه هویت دارای معانی متعدد باشد و به همین خاطر در رشته‌های علمی علاقمند به موضوع هویت، مفاهیمی مختلف را در ارتباط با هویت (مانند خود^۲،

1. Diner & suh
2. Self

ما^۱، خود پنداره^۲، من فاعلی^۳، من مفعولی^۴، ادراک خویشتن^۵، خود انگاره^۶، خود آگاهی^۷، خود هویت^۸، خودبازنمایی^۹، خود^{۱۰}، فراخود^{۱۱} و شخصیت^{۱۲}) به کار می‌برند (دوران و محسنی، ۱۳۸۲).

هویت در لغت ترکیبی است از «هو» که ضمیری عربی است و به معنای او و «یت» که علامتی مصدری است و مرجعی برای ضمیر او. پس از این رو، هویت را می‌توان به او بودن یا شناخته شدن کسی به چیزی معنا کرد، شناختی که او را از دیگری، در عین اشتراک در کلیات، در جزئیات و دقایق متمایز می‌سازد (رهباب، ۱۳۸۱: ۵۴).

هویت دو معنای اصلی دارد. اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است، معنای دوم آن تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. به این ترتیب، به مفهوم شباهت از دو زاویه مختلف راه می‌یابد، و مفهوم هویت به طور همزمان میان افراد یا اشیا دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر، تفاوت (جنکینز، ۱۳۸۱: ۵). هویت امری اجتماعی است و در اجتماع شکل گرفته و برساخته می‌شود (سیف‌اللهی و مروت، ۱۳۹۲: ۳۳). در رویکرد جامعه‌شناختی به هویت، بیشتر بر مفهوم رفتار مبتنی بر نقش تأکید می‌شود که مفهوم هویت، از تعامل میان یادگیری نقش اجتماعی و تجربه شخصی برمی‌خیزد و فرآیندی است که در آن شخص با جامعه در سطح وسیعی از معنای هویت، جهت احراز و به رسمیت شناخته شدن، به مذاکره می‌پردازد (نیازی، جعفرپور برزکی و شفائی مقدم، ۱۳۹۳: ۷۲). هویت از اجزای واقعیت‌های ذهنی است که در رابطه دیالکتیکی فرد با جامعه قرار داشته و در فرآیندهای اجتماعی شدن شکل می‌گیرد و پس از به ظهور رسیدن، به حال خود باقی مانده و یا در برخی موارد تغییر می‌کند و بر اساس روابط جدید از نو شکل می‌گیرد. فرآیندهای تشکیل دهنده هویت اجتماعی، براساس ساختار اجتماعی تعیین می‌شوند (کفاشی، ۱۳۹۳: ۱۰۳؛ نوابخش و مقتدرزاده ملکی، ۱۳۹۱: ۸۵).

1. We
2. Self- concept
3. I
4. Me
5. Self- perception
6. Self -image
7. Self - awareness
8. Self - identity
9. Self -representation
10. Ego
11. super ago
12. personality

شاید بارزترین فرق میان هویت فردی و هویت جمعی در این باشد که هویت فردی بر تفاوت و هویت جمعی بر شباهت تأکید دارد. هویت فردی که گاه به صورت شخصی و نقشی مطرح می‌شود در مجموع به نوعی آگاهی اطلاق می‌شود که هر فرد در فرآیند اجتماعی شدن و تعامل با دیگران درباره خود کسب می‌کند. این خودآگاهی به صورت نسبتاً سازمان یافته به مثابه بخشی از نظام شخصیتی (برآیند دیالکتیکی ذهن و عین) حائل و واسطه بین دنیای درونی و برونی فرد است و در هر حوزه یا میدان تعاملاتی، رابطه او را با خود و دیگران تنظیم و کنش‌هایش را هدایت می‌کند. این نوع هویت که توانایی فرد را در بکار بردن ضمیر مفرد «من» نشان می‌دهد معرف هویت و استقلال شخصی و نقشی فرد است و معمولاً در پاسخ به این پرسش‌ها مطرح می‌شود که «من کیستم و چیستم؟ و افراد دیگر کیستند و چیستند؟». ولی هویت جمعی معرف احساس تعلق فرد به گروه‌های اجتماعی یا واحدهای جمعی نظیر خانواده، طبقه اجتماعی، قوم، ملت و ... و احساس تعهد و وفاداری در برابر آن‌ها است. این نوع هویت که معمولاً با ضمیر جمع «ما» بیان می‌شود، رابطه فرد با گروه‌های اجتماعی را تنظیم می‌کند و در برابر این پرسش‌ها مطرح می‌شود که «ما کیستیم و چیستیم؟ و دیگران کیستند و چیستند؟» (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

«هویت» در واقع همان چیزی است که فرد، چنان که در اصطلاح «خودآگاهی» آمده است، به «آن» آگاهی دارد. به عبارت دیگر، هویت شخص چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد. هویت شخصی در حقیقت همان «خود» است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد. در اینجا نیز هویت به معنای تداوم فرد در زمان و مکان است، ولی هویت شخصی عبارت است از همین تداوم اما بصورت بازتاب تفسیری که شخص از آن به عمل آورده است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۲-۸۱).

هویت افراد در یک جامعه تحت تأثیر برداشت‌های افراد از خودشان و منابعی که در هویت‌یابی آنان نقش مسلط‌تری دارد، می‌باشد. تصور هر فرد از خود با آن که به نظر امری فردی می‌آید ولی مطابق نظر جرج هربرت مید، شکل‌گیری خود در افراد، اجتماعی است و بدون وجود انعکاسی از دیگری تعمیم یافته، خود اجتماعی افراد و برداشت روشنی از خود، در آنان شکل نخواهد گرفت. از طرف دیگر نهادهای اجتماعی نیز در شکل دادن به این تصورات و انعکاس‌ها

سهم مهمی دارند و بنا به میزان تسلط این نهادها بر فرایند معنایابی کنش‌های اجتماعی و میزان سنتی یا مدرن عمل کردن این نهادها از نظر این که تا چه حد به کنش‌های فردی و انتخاب‌های آزادانه افراد اجازه بروز و ظهور بدهند، انواع متفاوتی از هویت می‌تواند در افراد جامعه شکل بگیرد. بنابراین نهادها و ساختارهای اجتماعی مانند خانواده، دین، آموزش و رسانه‌ها و همگی در شکل‌گیری برداشت‌های افراد از خود فردی و اجتماعی‌شان (هویت اجتماعی‌شان) موثر بوده و می‌توان گفت در یک دیالکتیک بین «خود» فرد و «جامعه»، هویت افراد امکان ظهور پیدا می‌کند. (توسلی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۰: ۱۸)

در نظر ماریسا «هویت ساختار درون- روانی فرضی می‌باشد». این ساختار می‌تواند به کمک تعهدات روانی- اجتماعی ارزیابی شود.

بورک^۱ معتقد است که فرایند هویت یک نظام کنترل ادراک است و هویت، مجموع معانی به به کار گرفته برای خود در یک نقش یا موقعیت اجتماعی را شامل می‌شود که فرد را به طور خاص تعریف می‌کند (فروم، ۱۳۷۰: ۸۶-۸۵).

سبک‌های هویت

داینر^۲ (۱۹۸۴) در تحلیل مطالعات انجام شده در زمینه شادی دو رویکرد پایین به بالا و بالا به پایین را از هم تفکیک کرد. در رویکرد پایین به بالا پژوهشگران بیشتر بر رویدادهای بیرونی، فاکتورهای موقعیتی و ویژگی‌های جمعیت شناختی موثر بر شادی می‌پردازند. در رویکرد بالا به پایین، فرایندهای درونی، زیربنای شادی مورد نظر هستند.

طبق رویکرد بالا به پایین، انسان‌ها در شرایط یکسان، واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند و بر اساس باورها، ارزش‌ها، انتظارات و تجربیات منحصر به فرد خود، شرایط را ارزیابی می‌کنند. پژوهش‌های مختلف در بررسی رویکرد پایین به بالا (کمپل، کانورس و راجرز، ۱۹۷۶؛ آندریوس و ویتی، ۱۹۷۶؛ آرگیل و داینر، ۱۹۹۹)، نشان داده اند که فاکتورهای بیرونی میزان کمی از واریانس شادی را تبیین می‌کنند. بنابراین، رویکرد بالا به پایین بیشتر مورد توجه محققان قرار گرفت. در همین راستا بروزنسکی (۱۹۹۰) با الهام از نظریه اریکسون و نظریه حالات هویت ماریسا (۱۹۶۶)،

1. Burke
2. Dinner

مدل سبک‌های هویت را ارائه نمود. وی مطرح می‌کند، فرایندها و راهبردهای افراد برای شناخت خود و حل مسائل مرتبط با آن متفاوت است. مطالعات متعدد نشان دادند که بین سبک‌های هویت و افسردگی، سلامت روان، خوش‌بینی و امیدواری، رابطه معنادار وجود دارد (برونزسکی و کینی، ۱۹۹۴؛ نارمی و همکاران، ۱۹۹۷؛ لوراس و بسما، ۲۰۰۵؛ برونزسکی و همکاران، ۱۹۹۷ و فلیپس و پیتمن، ۲۰۰۷). (جوکار و کهولت، ۱۳۹۰: ۹۰).

از نظر اریکسون، مفهوم هویت معانی بسیاری دارد و تنها از طریق ژرف‌نمایی‌های متعدد قابل فهم است. سه عنصر درونی در احساس هویت نقش مرکزی را بازی می‌کنند: یکی ویژگی‌های بیولوژیکی، که در خلال بزرگ‌شدن مان تغییر پیدا می‌کنند؛ دیگری، نیازها، علائق، احساسات و حامیان ویژه روانشناختی و دیگری، سابقه اجتماعی و فرهنگی خودمان، که فرصت‌ها را برای بیان و بازشناسی تشکیل‌دهنده‌های هر دو فراهم می‌کند. اریکسون احساس هویت را هماهنگی ادراکی فرد از خویشتن با ادراک دیگران از او تعریف می‌کند و هویت‌یابی را در مقابل بحران هویت یا «بی‌هویتی»، پدیده‌ای روانی- اجتماعی می‌داند که در دوره نوجوانی ظهور می‌کند (فروم، ۱۳۷۰: ۸۶-۸۵).

پیشینه تجربی

شادمانی در بزرگسالان ارتباط زیادی با وضعیت تأهل دارد. سمیعی اصفهانی و پوردانش (۱۳۹۷) ارتباط معنی‌داری بین وضعیت تأهل و میزان شادمانی یافتند. لوپری و فرایدرس^۱ (۱۹۸۱) روند زندگی زناشویی و ارتباط آن با میزان شادمانی را به شکل (U) تصور می‌کنند. آن‌ها معتقدند که وقتی فرد تصمیم می‌گیرد ازدواج کند، شادی او افزایش می‌یابد، وقتی که ازدواج صورت می‌گیرد از شادی ایجاد شده کم می‌شود و این کاهش تا زمان رسیدن فرزندان به سن نوجوانی، ادامه می‌یابد. بعد از این دوره، شادمانی مجدداً سیر صعودی پیدا می‌کند تا به سطح اولیه خود می‌رسد. داینر و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند که افراد متأهل نسبت به کسانی که هرگز ازدواج نکرده یا جدا شده‌اند و یا همسر خود را از دست داده‌اند، بیشتر احساس شادی و شادمانی می‌کنند. علاوه بر این، افرادی که هنوز ازدواج نکرده‌اند اما با نامزد^۲ مورد علاقه خود زندگی می‌کنند، از کسانی که تنها زندگی می‌کنند خیلی شادمان‌ترند. البته این امر به ارزش‌های فرهنگی مورد قبول جوامع

1. Looperi and Frieders

2. Partner

بستگی دارد. یافته‌های بعضی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در جوامعی که فردگرایی^۱ رواج دارد، زندگی با نامزد مورد علاقه موجب شادمانی فرد می‌شود، اما در کشورهای جمع‌گرا، افرادی که با نامزد خود زندگی می‌کنند از افراد ازدواج کرده و یا افرادی که نامزد ندارند، دارای شادمانی کمتری هستند. این نتایج احتمالاً به این دلیل است که در جوامع فردگرا، زندگی مشترک با نامزد پسندیده است، ولی در کشورهای جمع‌گرا این عمل کاری مذموم به حساب می‌آید. در جوامع جمع‌گرا، فردی که با نامزد خود زندگی می‌کند، احساس می‌کند که در مقابل ارزش‌های اجتماع ایستاده است و جامعه هم علیه آن‌ها عمل می‌کند و به این سبب شادمانی آن‌ها کاهش می‌یابد. ماستکاسا^۳ (۱۹۹۴) تفاوت میزان شادمانی افراد مجرد و متأهل را این‌گونه توضیح می‌دهد: اولاً طلاق و جدایی استرس‌زا و ناخوشایندند و ثانیاً، ازدواج مزیت‌هایی برای فرد ایجاد می‌کند که در غیاب آن فرد از آن‌ها محروم می‌شود (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱: ۵۶). البته محمدی (۱۳۹۸) و علائی بوسجین و بشیری گیوی (۱۳۹۶) در پژوهش خود ارتباطی میان میزان نشاط و وضعیت تاهل نیافتند.

در پژوهشی که تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در میان گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز انجام گرفته است، نشان می‌دهد که بین الگوهای ارتباطی از نظر میزان شادی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در الگوهای ارتباطی توافق‌کننده و کثرت‌گرا میانگین نمره شادی بالاتر و در الگوهای محافظت‌کننده و بی‌قید میزان آن پایین‌تر است و در الگوی محافظت‌کننده و کثرت‌گرا میزان شادی پسران بالاتر از دختران می‌باشد (جوکار و رحیمی، ۱۳۸۶).

جنسیت نیز موضوع پژوهش‌های زیادی در ارتباط با شادمانی بوده است. داینر و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند که میزان شادمانی زنان و مردان برابر است، اما هنگامی که افسردگی را در نظر می‌گیریم، موضوع تا حدودی پیچیده می‌شود. به این صورت که با وجود شادی یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیشتر از مردان است. توضیح این امر توسط داینر و همکاران این است که زنان نسبت به مردان هم عاطفه منفی بیشتری و هم عاطفه مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند و برآیند این دو عاطفه، شادی زنان و مردان را یکسان می‌سازد. فوجیتا، دایز و ساندریچ (۱۹۹۱) نیز بر همین اعتقاد هستند (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱: ۵۶).

نتایج مطالعات کمپیل^۱ و همکاران (۱۹۷۶)، کانتریل (۱۹۶۵)، داینر و همکاران (۱۹۹۳) حاکی از یک همبستگی کوچک، اما معنی‌دار بین تحصیلات و شادمانی می‌باشد. داینر و همکاران (۱۹۹۳) اظهار می‌دارند که همبستگی بدست آمده بین تحصیلات و شادمانی، در افراد کم‌درآمد را می‌توان به نقش تحصیلات در ایجاد علایق وسیع‌تر که منجر به فراهم آمدن منابع شادمانی بیشتر می‌گردد، نسبت داد. بخش اعظمی از ارتباط بین تحصیلات و شادمانی از همبستگی تحصیلات با موفقیت شغلی و درآمد ناشی می‌شود (دهقانی، ۱۳۹۳: ۱۴).

علمی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین بیگانگی اجتماعی و پایگاه هویت جوانان دانشگاهی پرداخته و نتایج به دست آمده رابطه معناداری بین میزان بیگانگی اجتماعی و پایگاه هویت دانشجویان مورد مطالعه نشان داد.

علوی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه سبک‌های هویت با شادکامی پیشرفت تحصیلی و نمونه ۲۸۵ از دانش‌آموزان دوره پیش دانشگاهی شهرستان سیرجان نشان داده است که بین سبک هویت هنجاری و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد در حالی که بین دو سبک دیگر رابطه معنادار وجود ندارد. همچنین نتایج بررسی رابطه سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری با شادکامی نشان می‌دهد که بین این دو سبک هویت با شادکامی رابطه معناداری وجود دارد، در حالی که در مورد سبک هویت سردرگم/اجتنابی این رابطه ضعیف است.

همچنین بین سبک هویت اطلاعاتی در دو جنس تفاوت معنادار وجود دارد در حالی که بین دو سبک هویت دیگر در دو جنس تفاوت معناداری وجود ندارد.

کهولت و جوکار (۱۳۸۹) رابطه سبک‌های هویت و شادکامی دانشجویان دانشگاه شیراز را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش رابطه معنادار بین ابعاد سبک هویت و شادکامی نشان داد و همچنین دریافتند که شادکامی دانشجویان بر اساس سبک‌های هویت قابل پیش‌بینی است.

ماهون و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی تحت عنوان «نشاط اجتماعی از منظر ارتباط با جنسیت و سلامت در اوایل رشد» به این نتایج دست یافت که بین پسران و دختران تفاوتی از نظر نشاط اجتماعی وجود ندارد، در صورتی که تفاوت مثبت معناداری بین نشاط اجتماعی و متغیرهای سلامتی برای تمام افراد وجود داشت.

1. Campbell

با توجه به نظریه‌های مطرح شده و مطالعات پیشین در رابطه با متغیرهای مورد بررسی، پژوهش حاضر در صدد آن است که با بررسی سبک‌های هویتی دانشجویان و شناخت میزان تداخل منابع هویتی‌یابی افراد در شکل‌دهی به سبک هویت آنان در حالت فردی، و میزان بروز سبک‌های هویت آشفته، تعلیق افتاده و زود شکل گرفته که همگی از سبک‌های هویتی محسوب می‌گردند، و بررسی ارتباط بین سبک‌های هویتی با میزان نشاط اجتماعی دانشجویان، رابطه سبک هویت با میزان نشاط اجتماعی را مورد بررسی قرار دهد.

روش

پژوهش حاضر با روش توصیفی- همبستگی انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل حدود ۲۳۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز بوده است که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۰ نفر به عنوان حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با تعداد دانشجویان بر حسب جنسیت، مقطع و رشته تحصیلی آنان، نمونه‌گیری به عمل آمد. بدین ترتیب که از دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی از دانشکده‌های ده‌گانه این دانشگاه و در مقاطع تحصیلی رشته‌های مختلف هر دانشکده، نسبتی را که متناسب و مساوی با نسبت نمونه آماری به کل جامعه آماری انتخاب و گردآوری داده‌ها از این دانشجویان انجام گرفته است.

ابزار مورد استفاده در این مطالعه پرسشنامه‌های استاندارد سبک‌های هویت بروزنسکی (ISI - 6G) (۱۹۹۲) و پرسشنامه شادکامی (نشاط اجتماعی) آکسفورد (۱۹۸۹) بوده‌اند. اعتبار ابزار به صورت صوری و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت. مقدار آلفای پرسشنامه نشاط اجتماعی ۰/۸۶ و سبک‌های هویت در سبک اطلاعاتی ۰/۶۸ سبک هنجاری ۰/۶۷ و سبک سردرگم - اجتنابی ۰/۷۱ به دست آمد.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این حاضر پرسشنامه استاندارد سبک‌های هویت (ISI - 6G) می‌باشد که هنجاریابی آن به وسیله دکتر احمد غضنفری برای جامعه ایران انجام گرفته است و شامل سه خرده مقیاس اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم و نیز پرسشنامه نشاط (شادکامی) اجتماعی آکسفورد می‌باشد.

روایی و پایایی پرسشنامه سبک هویت

برزونسکی (۱۹۹۲) میزان ضریب آلفای کرونباخ را برای سبک اطلاعاتی ۰/۶۲، سبک هنجاری ۰/۶۶ و سبک سردرگم - اجتنابی ۰/۷۳ گزارش کرد. وایت و همکاران (۱۹۹۸) برای نسخه تجدیدنظرشده پرسشنامه سبک هویت میزان ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۵۹، ۰/۶۴ و ۰/۷۸ برای سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی گزارش کردند. کروسیتی، روبینی، برزونسکی و میوس (۲۰۰۸) ضرایب ۰/۶۴، ۰/۵۸ و ۰/۷۵ را برای سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی به دست آوردند.

اعتبار و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد

به منظور بررسی اعتبار و روایی فهرست شادکامی و پایایی فهرست شادکامی اکسفورد (OHI) (آرگایل ۲۰۰۱) نمونه‌ای متشکل از ۱۴۲ مرد و ۲۲۷ زن ایرانی، ۱۸ تا ۵۳ سال میانگین ۲۵ فهرست شادکامی اکسفورد، پرسشنامه شخصیتی آیزنک (EPQ 1999) و فهرست افسردگی بک (BDI)، (بک و دیگران ۱۹۷۹) را تکمیل کردند. بررسی همسانی درونی فهرست شادکامی آکسفورد نشان داد که تمام ۲۹ گزاره این فهرست با نمره کل همبستگی بالایی داشتند. آلفای کرونباخ برای کل فهرست برابر با ۰/۹۱ بود. همبستگی پیرسون بین فهرست شادکامی آکسفورد با فهرست افسردگی بک و زیر مقیاس‌های برون‌گرایی و درون‌گرایی EPQ به ترتیب برابر با ۰/۴۸، -۰/۳۹ و ۰/۴۵ بود که روایی هم‌گرا و واگرایی فهرست شادکامی آکسفورد را تایید کرد. یافته‌های پژوهش نشان دادند که فهرست شادکامی آکسفورد برای اندازه‌گیری شادکامی در جامعه ایرانی از اعتبار و روایی مناسب برخوردار است.

برای آزمون روایی (پایایی) پرسشنامه‌های مذکور از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج شماره ۱ و ۲ ارائه گردیده است.

جدول (۱) ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه نشاط اجتماعی

متغیر	تعداد سوال	ضریب آلفای کرونباخ
نشاط اجتماعی	۲۹	۰/۶۸

جدول (۲) ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه سبک‌های هویت

متغیر	تعداد سوال	ضریب آلفای کرونباخ
سبک هویت (کلی)	۴۰	۰/۶۸
سبک اطلاعاتی	۱۱	۰/۶۸
سبک هنجاری	۹	۰/۶۷
سبک سردرگم/اجتنابی	۱۰	۰/۷۱

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها:

تعریف مفهومی سبک هویت:

سبک هویت به آن دسته از فرآیندهای اجتماعی-شناختی مبتنی است که طی آن افراد بر اساس شیوه ترجیحی پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود و تصمیمات فردی خود در وضعیت‌های متفاوت قرار می‌گیرند. دارای سه مولفه جهت‌گیری اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم/اجتنابی می‌باشد (غضنفری، ۱۳۸۲).

تعریف عملیاتی سبک هویت:

سبک هویت آزمودنی‌ها بر اساس نمره‌ای از پرسشنامه مربوطه که در برگرفته سوالاتی در سه بعد اطلاعاتی، سبک هنجاری و سبک سردرگم - اجتنابی کسب می‌کنند، محاسبه گردیده است.

تعریف مفهومی نشاط اجتماعی:

بعد اجتماعی نشاط بیانگر گسترش روابط اجتماعی فرد با دیگران و به دنبال آن افزایش حمایت اجتماعی است. به عبارت دیگر این جزء از نشاط اجتماعی گرایش‌ها و تمایلات فرد نسبت به اجتماع، مانند علاقه به انسان‌های دیگر، تأثیرگذاری مثبت بر آن‌ها و... را شامل می‌شود که یکی از مهم‌ترین اجزاء آن را تشکیل می‌دهد (آرگایل، ۲۰۰۱).

تعریف عملیاتی نشاط اجتماعی:

میزان نشاط اجتماعی آزمودنی‌ها از نمره‌ای که از پرسشنامه‌ای ۲۹ گویه‌ای که ارجیل و همکاران برای اندازه‌گیری شادکامی (نشاط) ساخته‌اند، محاسبه گردیده است.

یافته‌ها

با توجه به اطلاعات به دست آمده، ۵۹/۷ درصد دانشجویان زن و ۴۰/۳ درصد دانشجویان را مردان تشکیل داده‌اند. همچنین ۱۶/۸ درصد از آن‌ها مجرد و ۸۳/۲ درصد متاهل بوده‌اند. از نظر مقطع تحصیلی، ۷۹/۲ درصد دانشجویان در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد، ۱۲/۹ درصد در مقطع کارشناسی و فقط ۷/۹ درصد آن‌ها در مقطع کاردانی مشغول به تحصیل بوده‌اند. از نظر سنی بیشتر درصد فراوانی (۵۱/۸ درصد) شامل گروه سنی ۲۶-۳۵ سال بوده است.

نتایج آزمون فرضیه‌ها نیز به صورت زیر به دست آمدند:

- بین دانشجویان دارای سبک‌های مختلف هویت از نظر میزان نشاط اجتماعی تفاوت وجود دارد.

بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس بین میزان نشاط اجتماعی دانشجویان دارای سبک‌های مختلف هویت، سطح معناداری ۰/۰۰۰ به دست آمد. بنابراین بین دانشجویان دارای سبک‌های مختلف هویت از نظر میزان نشاط اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد (جدول شماره ۱). همان‌گونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، میانگین نشاط اجتماعی دانشجویان در سبک هویتی سردرگم / اجتنابی، (۴۱/۸۱) در سطح پایین‌تر از متوسط و نسبت به سایر دانشجویان از سطح پایین‌تری از نشاط اجتماعی برخوردارند.

جدول (۳) مقایسه میانگین نشاط اجتماعی بر حسب سبک‌های هویت

سبک هویت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	حداقل	حداکثر	مقدار F	سطح معنی‌داری
سبک اطلاعاتی	۲۵۴	۵۳/۶۸	۱۲/۲۶	۰/۷۷	۲۷	۸۰	۱۷/۰۸۴	۰/۰۰۰
سبک هنجاری	۹۴	۵۴/۷۱	۱۰/۲۸	۱/۰۶	۳۱	۷۰		
سبک سردرگم / اجتنابی	۳۲	۴۱/۸۱	۴/۳۲	۰/۷۶	۳۸	۴۸		

نتایج آزمون تعقیبی LSD نشان داد که فقط میانگین نشاط سبک هویتی سردرگم/اجتنابی با میزان نشاط سبک هویتی اطلاعاتی و هنجاری تفاوت معنی داری دارد و میزان نشاط در سبک‌های هویتی اطلاعاتی و هنجاری تفاوت معنی داری با یکدیگر ندارند.

جدول شماره (۴) آزمون LSD نشاط اجتماعی دانشجویان به تفکیک سبک هویت

سبک سردرگم/اجتنابی	سبک هنجاری	سبک اطلاعاتی	سبک هوست
×	-		سبک اطلاعاتی
×		-	سبک هنجاری
	×	×	سبک سردرگم/اجتنابی

- بین میزان نشاط اجتماعی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

جهت تعیین تفاوت میزان نشاط اجتماعی دانشجویان دختر و پسر از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج این آزمون در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود میزان نشاط اجتماعی دانشجویان متأهل با میانگین ۵۵/۶۴ به طرز معنی داری بیشتر از میانگین نشاط دانشجویان پسر با میانگین ۵۱/۱۱ می‌باشد ($t = -۳/۷۲۹$, $p = ۰/۰۰۰$).

جدول شماره (۵) مقایسه میانگین نشاط اجتماعی دانشجویان به تفکیک زن و مرد

جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار t	سطح معنی داری
مرد	۲۲۷	۵۱/۱۱	۱۱/۰۷۶	۰/۷۳۵	-۳/۷۲۹	۰/۰۰۰
زن	۱۵۲	۵۵/۶۴	۱۲/۳۷۹	۱/۰۰۱		

- بین میزان نشاط اجتماعی دانشجویان متاهل و مجرد تفاوت وجود دارد.
- جهت تعیین تفاوت میزان نشاط اجتماعی دانشجویان مجرد و متاهل از آزمون تی مستقل استفاده گردید. نتایج این آزمون در جدول شماره ۶ نشان داده شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود میزان نشاط اجتماعی دانشجویان متاهل با میانگین ۵۴ به طرز معنی‌داری بیشتر از میانگین نشاط دانشجویان پسر با میانگین ۴۷/۶۶ می‌باشد ($t = -۳/۷۲۹, p = ۰/۰۰۰$).

جدول (۶) مقایسه میانگین نشاط اجتماعی دانشجویان به تفکیک وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	مقدار t	سطح معنی‌داری
مجرد	۶۴	۴۷/۶۶	۱۲/۷۹	۱/۵۹	-۳/۹۹۶	۰/۰۰۰
متاهل	۳۱۶	۵۴	۱۱/۳۳	۰/۶۳۷		

- بین دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی از نظر میزان نشاط اجتماعی تفاوت وجود دارد.
- آزمون تفاوت میانگین نشاط اجتماعی بر حسب مقطع تحصیلی دانشجویان نشان می‌دهد نشاط اجتماعی در بین دانشجویان مقطع کاردانی با میانگین ۷۲/۹۳ بیش از دانشجویان مقطع کارشناسی با میانگین ۵۴/۸۸ و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد با میانگین ۵۰/۶۲ می‌باشد ($f = -۶۶/۴۷, p = ۰/۰۰۰$).

جدول (۷) مقایسه میانگین نشاط اجتماعی دانشجویان به تفکیک مقاطع تحصیلی

مقطع تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	حداقل	حداکثر	مقدار F	سطح معناداری
کاردانی	۳۰	۷۲/۹۳	۴/۱۳	۰/۷۵۵	۷۰	۸۰	۶۶/۴۷	۰/۰۰۰
کارشناسی	۴۹	۵۴/۸۸	۱۱/۸۸	۱۱/۶۹	۳۴	۸۰		
کارشناسی ارشد	۳۰۱	۵۰/۶۲	۱۰/۳	۰/۵۹۴	۲۷	۸۰		

نتایج آزمون تعقیبی LSD نشان داد که فقط میانگین نشاط دانشجویان مقطع کارشناسی با میانگین نشاط مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معنی داری دارد و میزان نشاط در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معنی داری با یکدیگر ندارند.

جدول (۸) آزمون LSD نشاط اجتماعی دانشجویان به تفکیک مقطع تحصیلی

مقطع تحصیلی	کارشناسی	کارشناسی ارشد
کارشناسی	×	×
کارشناسی ارشد	-	×
کارشناسی ارشد	-	×

- بین دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی از نظر سبک هویت تفاوت وجود دارد.

جهت آزمون تفاوت بین دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی از نظر سبک هویت، از آزمون کی دو استفاده گردید. همانگونه که در جدول ۹ ملاحظه می شود، سطح معناداری ۰/۰۰۰ به دست آمده است. بنابراین تفاوت معناداری بین دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی از نظر سبک هویت وجود دارد. نتایج این آزمون نشان می دهد که سبک هویتی سردرگم در هر سه مقطع تحصیلی مقدار کمتری را به خود اختصاص می دهد. سبک هویتی اطلاعاتی در هر سه گروه بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است.

جدول (۹) جدول تقاطعی متغیرهای سبک هویت و مقطع تحصیلی

مقطع تحصیلی	سبک اطلاعاتی	سبک هنجاری	سبک سردرگم	آماره کی‌دو	سطح معنی‌داری
کاردانی	مشاهده شده	۲۰	۱۰	۰	۰/۰۰۰
	مورد انتظار	۲۰/۱	۷/۴	۲/۵	۲۰/۶۰۹
کارشناسی	مشاهده شده	۲۷	۲۲	۰	
	مورد انتظار	۳۲/۸	۱۲/۱	۴/۱	
کارشناسی ارشد	مشاهده شده	۲۰۷	۹۴	۳۲	
	مورد انتظار	۲۰۱/۲	۹۴	۳۲	

- بین دانشجویان دارای گروه‌های سنی مختلف از نظر میزان نشاط اجتماعی تفاوت وجود دارد.

نتایج آزمون تحلیل واریانس میانگین نشاط اجتماعی دانشجویان دارای گروه‌های سنی مختلف، سطح معناداری بیش از ۰/۱ را نشان داد. بنابراین بین دانشجویان دارای گروه‌های سنی مختلف از نظر میزان نشاط اجتماعی تفاوت معناداری مشاهده نشد ($f= ۱/۶۲, p= ۰/۱۹$).

جدول (۱۰) مقایسه میانگین نشاط اجتماعی دانشجویان به تفکیک گروه‌های سنی

گروه سنی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	حداقل	حداکثر	مقدار F	سطح معنی‌داری
زیر ۲۵ سال	۱۶	۷۴/۸۸	۴/۲۷	۱/۰۷	۸۰	۷۰	۱/۱۶۲	۰/۱۹
۲۵-۳۶ سال	۱۸۱	۵۰/۰۳	۱۱/۶۶	۰/۸۷	۸۰	۲۷		
۳۶-۴۵ سال	۱۴۳	۵۳/۴۳	۹/۶	۰/۸۰	۸۰	۳۷		
۴۶-۵۵ سال	۴۰	۵۵/۵	۱۱/۸۷	۱/۸۸	۸۰	۲۷		

- بین دانشجویان دارای گروه‌های سنی مختلف از نظر سبک هویت تفاوت وجود دارد.

جهت آزمون تفاوت بین دانشجویان در گروه‌های سنی مختلف از نظر سبک هویت، از آزمون کی دو استفاده گردید. همانگونه که در جدول ۱۱ ملاحظه می‌شود، سطح معناداری ۰/۰۰۰ به دست آمده است. بنابراین تفاوت معناداری بین دانشجویان سنین مختلف از نظر سبک هویت وجود دارد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که سبک هویتی سردرگم در هر سه گروه سنی مقدار کمتری را به خود اختصاص می‌دهد. سبک هویتی اطلاعاتی در هر سه گروه بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است.

جدول (۱۱) جدول تقاطعی متغیرهای سبک هویت و گروه‌های سنی

سن	سبک اطلاعاتی	سبک هنجاری	سبک سردرگم	جمع	کی دو	سطح معنی داری	V کرامر	سطح معنی داری
زیر ۲۵ سال	مشاهده شده	۱۲	۴	۰	۱۶	۰/۳۸۲	۰/۱۷۵	۰/۰۰۰
	مورد انتظار	۱۰/۷	۴	۱/۳				
۲۵-۳۵ سال	مشاهده شده	۱۱۸	۳۸	۲۵	۱۸۱			
	مورد انتظار	۱۲۱	۴۴/۸	۱۵/۲				
۳۵-۴۵ سال	مشاهده شده	۱۰۰	۴۳	۰	۱۴۳			
	مورد انتظار	۹۵/۶	۳۵/۴	۱۲				
۴۵-۵۵ سال	مشاهده شده	۲۴	۹	۷	۴۰			
	مورد انتظار	۲۶/۷	۹/۹	۳/۴				
جمع	۲۵۴	۹۴	۳۲	۳۸۰				

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه یکی از اهداف اساسی توسعه، دستیابی به رفاه اجتماعی همگانی بوده و نشاط اجتماعی از مولفه‌های رفاه اجتماعی و مفاهیم محوری توسعه پایدار به شمار می‌رود و تاثیر زیادی بر رضایت‌مندی و اعتماد و امید افراد جامعه دارد و تحقق توسعه نیازمند مقدمات و زمینه‌هایی مانند کیفیت زندگی، رضایت‌مندی، امنیت اجتماعی، سلامت، رفتارهای جمعی و فراغت از جمله شاخص‌های شادی و نشاط اجتماعی است، توجه به راهکارهای ارتقاء نشاط اجتماعی از اولویت‌های اساسی برنامه‌ریزی‌های توسعه و رفاه اجتماعی به شمار می‌رود. گام نهادن در مسیر توسعه یا ایجاد جامعه‌ای که در آن آرامش و سعادت محقق شود، به زمینه یا مقدماتی نیاز دارد که با اتکا به آن‌ها، تحقق می‌یابد. از جمله این مقدمات، نشاط اجتماعی است

از طرفی هم نشاط در فرایند رابطه فرد با جامعه و گروه تحقق پیدا می‌کند. در واقع، نشاط از منظر اجتماعی، عضوی از خانواده و چهارچوب مفهومی کیفیت‌های زندگی، رضایت‌مندی اجتماعی، امنیت اجتماعی، سلامت اجتماعی، رفتارهای جمعی و فراغت است. این مفاهیم به نوعی متناظر با نشاط و شادمانی‌اند. همچنین، نشاط اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین و موثرترین شاخص‌های اجتماعی در گسترش احساس رضایت عمومی از زندگی، گسترش تعاملات اجتماعی سازنده، رشد اعتماد عمومی و مشارکت همه جانبه اجتماعی به شمار می‌رود.

نشاط اجتماعی، اساسی‌ترین بحث انسانی برای تمام نسل‌هاست و مرکزی‌ترین محرک اهداف بشری است. احساس شادکامی و نشاط تا حد زیادی بستگی به شرایط فردی دارد، به طور کلی باید گفت نشاط و شادمانی افراد همبستگی بالایی با احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد با جامعه دارد و نشانه نگرش فرد به خود و جهان پیرامونی است. فردی که نشاط دارد همیشه احساس خوبی درباره خودش و سایرین خواهد داشت؛ با ناامیدی مقابله خواهد کرد، ضعف‌های خود را می‌پذیرد، هرگز یادگیری را فراموش نمی‌کند، همیشه با خودش و دیگران صادق است، در زمان حال زندگی می‌کند و درمقابل مشکلات باثبات است.

هدف مطالعه حاضر رابطه سبک هویت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با میزان نشاط اجتماعی آنان بوده است. بر اساس نظریه‌های بروزنسکی (۱۹۹۲)، نورمی و همکاران (۱۹۹۷) و بروزنسکی و کاک (۲۰۰۰). افراد دارای سبک هویت سردرگم/ اجتنابی ناشادترند و از کیفیت زندگی و بهزیستی روانی کمتری برخوردارند. همچنین آرگیل و لو (۱۹۹۰) و داینر

(۲۰۰۶)، بر این باورند که خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی و عزت نفس (ویژگی‌های سبک هویتی اطلاعاتی و هنجاری) از شادکامی بالاتری برخوردارند و همچنین افراد دارای سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی از شادکامی بیشتری برخوردارند. مطالعات متعدد نشان دادند که بین سبک‌های هویت و افسردگی، سلامت روان، خوش بینی و امیدواری، رابطه معنادار وجود دارد. بروزنسکی و کینی، (۱۹۹۴)؛ نارمی و همکاران، (۱۹۹۷)؛ لوراس و بسما، (۲۰۰۵)؛ بروزنسکی و همکاران، (۱۹۹۷) و فلیپس و پیتمن، (۲۰۰۷)؛ علمی (۱۳۹۰)، علوی (۱۳۸۷)، کهولت و جوکار (۱۳۸۹)، وزیری و کاشانی (۱۳۹۱)، بهادری و بابا پور (۱۳۹۱)، یافته‌های مطالعه حاضر نیز در راستای تایید نظریات و یافته‌های فوق می‌باشد.

لوپری و فرایدرس (۱۹۸۱) روند زندگی زناشویی و ارتباط آن با میزان شادمانی را به شکل (U) تصور می‌کنند. آن‌ها معتقدند که وقتی فرد تصمیم می‌گیرد ازدواج کند، شادی او افزایش می‌یابد، وقتی که ازدواج صورت می‌گیرد از شادی ایجاد شده کم می‌شود و این کاهش تا زمان رسیدن فرزندان به سن نوجوانی، ادامه می‌یابد. بعد از این دوره، شادمانی مجدداً سیر صعودی پیدا می‌کند تا به سطح اولیه خود میرسد. داینر و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند که افراد متأهل نسبت به کسانی که هرگز ازدواج نکرده یا جدا شده‌اند و یا همسر خود را از دست داده‌اند، بیشتر احساس شادی و شادمانی می‌کنند. علاوه بر این، افرادی که هنوز ازدواج نکرده‌اند اما با نامزد مورد علاقه خود زندگی می‌کنند، از کسانی که تنها زندگی می‌کنند خیلی شادمان ترند. ماستکاسا^۳ (۱۹۹۴) تفاوت میزان شادمانی افراد مجرد و متأهل را این گونه توضیح می‌دهد: اولاً طلاق و جدایی استرس‌زا و ناخوشایندند و ثانیاً، ازدواج مزیت‌هایی برای فرد ایجاد می‌کند که در غیاب آن، فرد از آن‌ها محروم می‌شود.

نتایج مطالعات کمپیل^۲ و همکاران (۱۹۷۶)، کانتربیل (۱۹۶۵)، داینر و همکاران (۱۹۹۳) حاکی از یک همبستگی کوچک، اما معنی‌دار بین تحصیلات و شادمانی می‌باشد. داینر و همکاران (۱۹۹۳) اظهار می‌دارند که همبستگی بدست آمده بین تحصیلات و شادمانی، در افراد کم درآمد را می‌توان به نقش تحصیلات در ایجاد علایق وسیع تر که منجر به فراهم آمدن منابع

1. Partner
2. Campbell

شادمانی بیشتر می‌گردد، نسبت داد. بخش اعظمی از ارتباط بین تحصیلات و شادمانی از همبستگی تحصیلات با موفقیت شغلی و درآمد ناشی می‌شود.

یافته‌های پژوهش حاضر در فرضیه اول با یافته مطالعه علمی (۱۳۹۰)، علوی (۱۳۸۷)، کهولت و جوکار (۱۳۸۹)، وزیری و کاشانی (۱۳۹۱)، بهادری و باباپور (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. همچنین یافته حاضر با نظریات بروزنسکی (۱۹۹۲)، نورمی و همکاران (۱۹۹۷) و بروزنسکی و کاک (۲۰۰۰) همراستا می‌باشد. طبق نظر آن‌ها افراد دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی ناشادترند و از کیفیت زندگی و بهزیستی روانی کمتری برخوردارند. همچنین آرگیل و لو (۱۹۹۰) و داینر (۲۰۰۶)، بر این باورند که خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی و عزت نفس (ویژگی‌های سبک هویتی اطلاعاتی و هنجاری) از شادکامی بالاتری برخوردارند و همچنین افراد دارای سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی از شادکامی بیشتری برخوردارند.

نتایج فرضیه دوم با یافته‌های اعتمادزاده و همکاران (۱۳۸۸)، لمی (۱۳۹۲) همسو اما با یافته‌های فضل‌الهی و همکاران (۱۳۸۹)، پناهی و دهقانی (۱۳۹۱)، ماهون و همکاران (۲۰۱۰) ناهمسو می‌باشد. همچنین با نظریه داینر و همکاران (۱۹۹۹)، فوجینا، دایز و ساندویچ (۱۹۹۱) همراستا نمی‌باشد. بر اساس نظر آن‌ها، میزان شادمانی زنان و مردان برابر است. به نظر می‌رسد، دلیل این امر ساختار جامعه و فشارهای روانی و مالی است که به دلیل شرایط و وضعیت جامعه کنونی، میزان درگیری‌های روانی، اقتصادی و اجتماعی مردان و زنان متفاوت است و این امر در میزان برخورداری آن‌ها از نشاط اجتماعی تاثیر می‌گذارد.

نتایج فرضیه سوم با یافته‌های جعفری و همکاران (۱۳۸۲)، اعتمادزاده و همکاران (۱۳۸۸) همسو می‌باشد. همچنین یافته پژوهش همراستا با نظریه داینر و همکاران (۱۹۹۹)، لوپری و فرایدرس (۱۹۸۱) و ماستکاسا (۱۹۹۴) می‌باشد. طبق نظر آن‌ها شادمانی در بزرگسالان ارتباط زیادی با وضعیت تأهل دارد. افراد مجرد و کسانی که به دلایلی همسر خود را از دست داده اند، از میزان نشاط پایین‌تری برخوردارند.

نتایج فرضیه چهارم با یافته اعتمادزاده و همکاران (۱۳۸۸)، همسو اما با یافته فضل‌الهی و همکاران (۱۳۸۹) ناهمسو می‌باشد. یافته پژوهش با نظریه‌های کمپبل^۱ و همکاران (۱۹۷۶)،

1. Campbell

کانتریل (۱۹۶۵)، داینر و همکاران (۱۹۹۳) همراستا می‌باشد. آن‌ها نیز معتقدند بین تحصیلات و شادمانی رابطه معنادار وجود دارد و به ویژه در افراد کم‌درآمد، تحصیلات در ایجاد علایق وسیع‌تر که منجر به فراهم آمدن منابع شادمانی بیشتر می‌گردد، نقش زیادی دارد.

نتایج فرضیه پنجم با یافته‌های آقاجانی و همکاران (۱۳۸۷) همراستا می‌باشد. همچنین با نظریه بروزنسکی مبنی بر اینکه سبک هویت افراد بر پیشرفت تحصیلی آنان تاثیر دارد همسو می‌باشد. اما باید در نظر داشت که علاوه بر سبک هویت و عوامل فردی، عوامل اجتماعی و فرهنگی زیادی نیز در این امر می‌تواند دخیل باشد. از جمله محیط و پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده افراد.

نتایج فرضیه ششم با یافته‌های هزارجریبی و صفری‌شالی (۱۳۸۹) همراستا نمی‌باشد. از مهم‌ترین دلایل ناهمسویی یافته‌های مطالعه حاضر با نتیجه مطالعه هزارجریبی و صفری‌شالی، جامعه مورد مطالعه و به‌ویژه گستردگی دامنه سنی جامعه می‌باشد.

نتایج فرضیه هفتم با نظریه هویت اریکسون مبنی بر اینکه هویت افراد در طی زمان شکل می‌گیرد و در دوره‌های سنی مختلف، سبک هویت افراد نیز رشد کرده و تغییر می‌یابد و متحول می‌شود، همسو می‌باشد. با توجه به آنچه در بخش نظری مطرح شد و یافته‌های پژوهش نشان داد، می‌توان نتیجه گرفت که سبک هویت بر شادمانی افراد تاثیر دارد.

بنابر نتایج به دست آمده از پژوهش پیشنهاد می‌گردد:

- مسئولان آموزشی به ویژه وزارت ورزش و جوان و وزارت آموزش و پرورش با برگزاری کارگاه‌های آموزشی گروهی در رابطه با آموزش خانواده‌ها برای پرورش فرزندان، روش‌های صحیح تربیتی و جامعه‌پذیر نمودن و شاداب نگه داشتن آن‌ها را به خانواده‌ها آموزش دهند. زیرا هویت انسان از زمان کودکی به تدریج رشد می‌یابد و معمولاً انسان‌ها پس از دوران بلوغ و تشکیل یافتن هویت‌شان، امکان تغییر هویت و پذیرفتن سبک و حالت هویتی جدید برایشان میسر است.

- مسئولان آموزش و پرورش و وزارت علوم با برگزاری کارگاه‌های آموزشی به صورت تفریحی - گروهی، به صورت غیرمستقیم، مسئولیت‌پذیری، مهارت‌های زندگی فردی و

اجتماعی، هدف گذاری را به جوانان و نوجوانان آموزش داده و امکان افزایش اعتماد به نفس و توان تصمیم‌گیری برای زندگی بهتر و در نتیجه شادکامی اجتماعی بیشتر فراهم نماید.

- با توجه به معناداری تفاوت نشاط اجتماعی دختران و پسران، پیشنهاد می‌شود، سازمان‌های مرتبط از جمله آموزش عالی، وزارت ورزش و جوان، آموزش و پرورش و وزارت ارشاد اسلامی، امکانات تفریحی و مناسب برای گذراندن اوقات فراغت در اختیار جوانان تامین نمایند تا افراد با برخورداری از این امکانات بتوانند تا حدی از فشارهای ناشی از شرایط اجتماعی و اقتصادی‌شان بکاهند و از نشاط اجتماعی بالاتری برخوردار شوند.

- با توجه به معناداری تفاوت میزان نشاط اجتماعی در بین دانشجویان مجرد و متأهل و بالاتر بودن میزان نشاط افراد متأهل پیشنهاد می‌شود، دولت با حمایت‌های اقتصادی و به ویژه فراهم کردن شرایط شغلی برای جوانان و قانون‌گذاری در راستای حمایت از خانواده، امکان تشکیل زندگی مشترک را برای جوانان فراهم نمایند تا بتوان جامعه‌ای با نشاط‌تر ساخت.

منابع و مأخذ

- آرگایل، مایکل (۱۳۸۳). *روانشناسی شادی*، ترجمه: فاطمه بهرامی و دیگران، تهران: جهاد دانشگاهی.
- ابوالحسن تنهایی، حسین و حکیمی، کتابون (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی رابطه بین مفهوم عدالت و هویت اجتماعی در قرن معاصر از دیدگاه هربرت بلومر (تفسیرگرا) و آنتونی گیدنز (ساخت‌گرا). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال چهارم، شماره ۲: صص ۵۴-۴۱.
- اعتمادزاده، هدایت‌الله، جعفری، سیدابراهیم و عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۸) بررسی عوامل آموزشی، کالبدی و سازمانی موثر بر شادمانی. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، سال سی و نهم، شماره ۲، صص ۷۷ تا ۱۰۰.
- افروز، غلامعلی و شیخزاده، ابراهیم (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین هوش هیجانی با شادمانی اجتماعی در نوجوانان تیزهوش مقطع راهنمایی مدارس شهر تهران. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال سوم، شماره ۲: صص ۹۷-۱۱۲.
- توسلی، غلامعباس و ابراهیم‌پور، داود (۱۳۹۰). هویت‌یابی مدرن و سرمایه اجتماعی دانشجویان، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، شماره ۱، (۳۶-۷).
- توسلی، غلامعباس و اصل زعیب، مهدی (۱۳۹۰). هویت‌های قومی و معمای هویت ملی. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال سوم، شماره ۲: صص ۷۵-۹۶.
- جعفروند، فرشاد و فتحی، سروش (۱۳۹۴). تحلیلی بر رابطه سرمایه اجتماعی و شادی در زندگی دانشجویی (مورد مطالعه: دانشجویان واحد علوم تحقیقات تهران). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال هفتم، شماره ۳: صص ۸۱-۹۵.
- جوکار، بهرام و رحیمی، مهدی (۱۳۸۶). تأثیر الگوهای ارتباطی خانواده بر شادی در گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز، *روانشناسی بالینی ایران*، سال سیزدهم، شماره ۴، (۳۸۴-۳۷۶).
- چلبی، مسعود و سید محسن موسوی (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، شماره ۲، (۳۴ تا ۵۷).
- دوران، بهزاد و منوچهر محسنی (۱۳۸۳). *هویت: رویکردها و نظریه‌ها. مبانی نظری هویت و بحران هویت*. تهران: جهاد دانشگاهی پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی و دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.

- ربانی، رسول (۱۳۸۰). فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۸، (۴۱ تا ۷۸).
- ربانی، علی و کیانپور، مسعود (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساسات، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره پیاپی ۳۴، شماره ۲، (۳۵-۶۴).
- رجبلو، قنبرعلی و حسین‌پناهی، حلیمه (۱۳۹۶). هویت قومی و توسعه یافتگی سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان در سال تحصیلی ۹۵-۹۴). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال دهم، شماره ۱: صص ۲۶-۴۶
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و پوردانش، سامر (۱۳۹۷). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر نشاط اجتماعی معلمان (مطالعه موردی معلمان نواحی ۲۰ و ۲۱ شهر تهران). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال یازدهم، شماره ۱: صص ۹۰-۱۰۰
- سیفاللهی، سیف‌الله و مروت، برزو (۱۳۹۲). شکل‌گیری هویت قومی و ملی و عوامل اجتماعی موثر بر آن در نزد ساکنان کرج. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم، شماره ۱: صص ۸۱-۹۵
- علائی بوسجین، محسن و بشیری گیوی، حسین (۱۳۹۶). نقش توسعه برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی دانشگاه پیام نور بر نشاط اجتماعی دانشجویان در سال ۱۳۹۵. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال نهم، شماره ۲: صص ۴۱-۵۱
- علمی، محمود (۱۳۹۰). *تعیین رابطه بین بیگانگی اجتماعی دانشجویان و پایگاه هویت آنان*. طرح پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- غضنفری، احمد، (۱۳۸۲)، اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت (ISI-6G)، *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، شماره ۲
- دهقانی غلامرضا (۱۳۹۳). *بررسی رابطه کیفیت زندگی با میزان نشاط اجتماعی میان کارکنان شرکت گاز منطقه شمال غرب کشور*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، گروه علوم اجتماعی.
- کفاشی، مجید (۱۳۹۳). مدل معادلات ساختاری مولفه‌های سبک زندگی مؤثر بر هویت اجتماعی. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم، شماره ۳: صص ۱۰۵-۱۲۰

گزارش جهانی نشاط در سال ۲۰۱۳، دفتر مطالعات رفاه اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دی ۱۳۹۴

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص؛ هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
 محمدی، اصغر (۱۳۹۸). رابطه عوامل فرهنگی و مذهبی با شادمانی اجتماعی و تاثیر آن بر توسعه اجتماعی (مورد مطالعه: ساکنان شهر اصفهان). *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال یازدهم، شماره ۴: صص ۱۱۱-۱۲۵

میرشاه‌جعفری، ابراهیم و محمدرضا عابدی و هدایت‌الله دریکوندی (۱۳۸۱). شادمانی و عوامل موثر بر آن، *تازه‌های علوم*، سال چهارم، شماره سوم، (۵۸-۵۰).
 نوابخش، مهرداد و مقتدرزاده ملکی، احمدعلی (۱۳۹۱). بررسی ابعاد هویتی سه‌گانه (محل، ملی و جهانی) در بین جوانان و نقش آن در توسعه فرهنگی استان آذربایجان شرقی. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال پنجم، شماره ۱: صص ۸۳-۹۵

Berzonsky, M. D. (2008). **Identity formation: The role of identity processing and cognitive processes**. *Personality and Individual Differences*, 44: 645-655.

Berzonsky, M. D., Kuk, L. (2005). Identity, psychological maturity and academic performance, personality and individual difference. *European Journal of Personality*, 39 (1), 235-247.

Berzonsky, M. D., Cieciuch, J., Duriez, B., Soenens, B. (2011). The how and what of identity formation: Association between identity s and value orientations. *Personality and Individual Differences*, 50 (2), 259-299.

Kaspersen, Lars, Bo (2000); *Anthony Giddens, an introduction in a social theorist*, Blackwell Publishers.

Myers, D. G, (2002); *Happy & Healthy*. <<http://abclocal.g.com/68-wls/news/012802-hshappyhealthy>.

Paterson, C. (2000); the future of optimism, *American Psychologist*, 55(1), 44-55.

Veenhoven, R. (1993); *Data book of happiness*, New York: Redial publishing company. (2006); *New direction in the study of happiness*, October 2006, www.weenhoven.fsw.eur.nl.

Zingerle, A. (2000); Simmel on happiness, *journal of happiness studies*, No.1, pp.: 465-477.